



نقش دعا

انسان موجودی است سراسر نیاز که هر چه برای رفع آن کوشیده، بیشتر متوجه فقر خود شده است. انسان برای ادامهٔ حیات محتاج صدها نعمت الهی است و روانش بیشتر از تن، نیازمند هزاران عنایت الهی.

خداوند بی نیاز نیز همهٔ نعمتها را در پرتو تلاشها و خواستها، «همراه با لطف بی‌منت‌های خود» در اختیار بندگان قرار داده است. ارتباط با آن ذات بی نیاز و کریم بی‌نهایت، برای درخواست حاجتهای جسمی و روحی در اتصال به مبدأ بی‌نهایت

قدرت است، که اگر هم حاجتی برآورده نشود و دعایی مستجاب نگردد، خود این ارتباط و اتصال، آرامش بخش و نشاط آور و نشانهٔ توفیقی است که خداوند به دعا کننده عطا کرده است.

گفت آن الله تو لبیک ماست

و آن نیاز و درد و سوزت پیک ماست
هر چه زمان می‌گذرد احساس
نیاز به دعا و معنویات بیشتر می‌شود.
دعا، هم نیاز فطری انسان است
برای یافتن تکیه‌گاه و هم برآورنده
نیازها؛ اما چگونه باید دعا کرد و با
خدای بی‌نیاز چگونه باید حرف زد؟

دعا و راز و نیاز بود؛ بلکه دیگران را نیز بدان سفارش می نمود. پس از وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله، زنان بنی هاشم در منزل آن حضرت اجتماع و گریه و زاری می کردند و افتخارات گذشته را بر می شمردند. حضرت زهرا علیها السلام به آنان فرمود: «أَتُرَكْنَ التَّغْدَادَ وَعَلَيْكُنَّ بِالِدُّعَاءِ؛ دست از شمارش [افتخارات] بردارید و به دعا پردازید.»^۳

حضرت نه تنها در زمان حیات به این مسئله اهمیت می داد، بلکه پس از شهادت خویش نیز سفارش کرد برایش دعا کنند؛ چرا که انسان پس از مرگ نیز نیازمند دعاست. حضرت زهرا علیها السلام در وصیت خویش به علی علیه السلام فرمود: «إِذَا أَنَا مَيِّتٌ فَتَوَلَّيْنِي وَجْهِي وَصَلَّ عَلَيَّ وَأَنْزِلْنِي قَبْرِي وَأَلْحِدْنِي وَسَوِّ الثَّرَابَ عَلَيَّ وَأَجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِي قُبَالَةَ وَجْهِي فَأَكْثِرْ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَالِدُّعَاءِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ

برای درک این چگونگی دست به دامن معصومانی می شویم که راههای ارتباط با خدا را به خوبی فرا گرفته، و در زندگی خویش بهترین و بیشترین بهره ها را از دعا برده اند.

آنچه پیش روست، سیری در رفتار و گفتار فاطمه زهرا علیها السلام پیرامون دعا و نیایش است.

الف: اهمیت دعا از دیدگاه

فاطمه علیها السلام

روزی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: دخترم! آیا دوست داری دعایی به تو بیاموزم که هیچ کس آن را نمی خواند؛ مگر آنکه خواسته هایش تحقق می پذیرد؟^۱ فاطمه علیها السلام در پاسخ پدر گفت: «یا آبة لهذا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»^۲ پدر جان! چنین چیزی از دنیا و آنچه در آن است نزد من محبوب تر است.»

جمله فوق، جمله بلندی است در اهمیت دعا که جز آنان که در این وادی قدم گذاشته اند، عمق آن را درک نمی کنند.

ب: سفارش به دعا

صديقة طاهره نه تنها خود اهل

۱. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۹۲، ص ۴۰۵، ذیل روایت ۳۵.
۲. همان.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۹۲؛ فروع کافی، ج ۳، ص ۲۱۸ و خصال صدوق، ج ۲، ص ۱۵۹.

يَخْتَاجُ فِيهَا إِلَى أَنْسِ الْأَحْيَاءِ...^۱

عَلَى نَبِيِّ مَخْبُورٍ؛

وقتی من وفات کردم، تو غسل و کفن مرا بر عهده گیر و بر من نماز بگذار و مرادرون قبر قرار ده، دفنم کن و سنگ قبر را بر روی قبرم گذار [و خاک بر آن بریز] و آن را هماهنگ و صاف نما، آنگاه بالای سرم روبروی من بنشین، و زیاد قرآن بخوان و دعا کن؛ زیرا در چنین لحظه‌هایی [میت] به انس گرفتن با زندگان [سخت] محتاج است»

به نام خدای نور، به نام خدایی که به هر چیزی بگوید باش می‌باشد، به نام خدایی که چشمها و نگاههای پنهان در سینه‌ها را می‌داند. به نام خدایی که نور را از نور آفرید. به نام خدایی که به نیکی یاد می‌شود. به نام خدایی که نور را بر کوه طور به اندازه معین نازل کرد در نوشته‌ای بر پیامبری عظیم.^۲

دعاهایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام تعلیم فرموده نیز از همین دسته است، مانند: دعایی که با این جمله شروع شده است: «يَا أَعَزَّ مَذْكُورٍ وَأَقْدَمَهُ قَدَمًا فِي الْعِزِّ وَالْعَجَبِوتِ...»^۳ و یا دعایی که با جمله «اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ» شروع می‌شود.^۴

ج. دعاهای حضرت فاطمه علیها السلام

دعاهای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را در یک تقسیم بندی می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود که هر یک بر طرف کننده بخشی از نیازهای زندگی انسان است.

همین طور دعایی که آن حضرت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در لحظه خواب نقل نموده است: خواندن سوره توحید سه مرتبه، صلوات بر محمد و پیغمبران،

۱. در عظمت و صفات خداوند

در دعای معروف حضرت می‌خوانیم: «بِسْمِ اللَّهِ التَّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي يَقُولُ لَشَيْءٍ كُنْ فَيَكُونُ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ خَائِنَةَ السَّاعَتِينَ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ التَّوْرَ مِنَ التَّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْمَعْرُوفِ مَذْكُورُ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ التَّوْرَ عَلَى الطُّورِ بِقَدْرِ مَقْدُورٍ، فِي كِتَابٍ مَنْسُطُورٍ،

۱. همان، ج ۷۹، ص ۲۷.

۲. همان، ج ۹۲، ص ۳۹، مهج الدعوات، ص ۷ و ص ۱۴۰ و دلانسل الامامه طبری، ص ۲۸.

۳. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۰۵.

۴. همان، ص ۴۰۶، روایت ۳۷.

مشغولم نکن، و عذابم ننما در حالی که استغفار می‌کنم! و محروم نفرما در حالی که درخواست می‌نمایم! خدایا! نفسم را [پیش خودم] خوار کن و مقامت را در نفسم بزرگ جلوه ده، و طاعت خود و عمل به آنچه رضای تو در آن است و دوری از غضب را به من الهام نما.»

۳. نیازمندیهای زندگی

نوع سوم، دعاهایی است که در آن، نیازمندیهای زندگی دنیوی درخواست می‌شود، مانند: رزق و روزی فراوان، پیشرفت در کارها، گشایش سختیها، شفای بیماران و خلاصه همه: بیمار و سالم، فقیر و غنی، گرفتار و غیر گرفتار... نیازمند دعا هستند و محتاج عنایت خدای بی‌نیاز؛ چنان که قرآن می‌فرماید: ﴿...أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾^۱؛ «شما همه

استغفار برای مؤمنان و گفتن این جمله: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»^۱

۲. درخواست کمالات معنوی

گاه در ضمن دعا، انسان یک سلسله کمالات معنوی و اخروی را از خداوند می‌خواهد. این نوع درخواست، گاه درخواست کمالات به صورت غیرمستقیم، از طریق عذرخواهی و مناجات و طلب عفو است و گاهی درخواست کمالات به صورت مستقیم و صریح؛ مانند: «...اللَّهُمَّ فَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا تَكَلَّفْتَ لِي بِهِ، وَلَا تَعَذِّبْنِي وَأَنَا اسْتَغْفِرُكَ، وَلَا تَحْرِمْ نِي وَأَنَا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ ذَلَّلْ نَفْسِي وَعَظِّمْ شَأْنَكَ فِي نَفْسِي وَالْهَمَمِ طَاعَتِكَ وَالْعَمَلِ بِمَا يَرْضِيكَ وَالتَّجَنُّبِ لِمَا يَسْخَطُكَ...»^۲

خدایا! مرا برای آنچه آفریده‌ای (عبادت و بندگی) آماده کن، و به آنچه خود عهده‌دار آن هستی و برایشم تضمین نموده‌ای (رزق و روزی)

۱. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، کتابفروشی اسلامیة، ج ۱، ص ۹۹.

۲. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۰۶، حدیث ۳۶.

۳. فاطر / ۱۵.

دارد. در این مرحله انسان از خداوند، برآورده شدن نیازها و رفع گرفتاریهای تمام انسانها را می‌خواهد. این گونه دعا، هم اثر مستقیم در زندگی دیگران دارد، آنجا که دعا مستجاب و مورد قبول واقع می‌شود، و هم اثر غیرمستقیم نسبت به کل افراد تا در مورد نیازمندیهای معنوی و مادی مردم در صورت توان و قدرت کوتاهی نکند.

در منابع دینی، بر این گونه دعاها بسیار سفارش شده است، از جمله رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِذَا دَعَا أَحَدٌ فَلْيُعِمْ فَإِنَّهُ أَوْجِبَ لِلدُّعَاءِ وَ مَنْ قَدَّمَ أَرْيَغِينَ مِنْ إِخْوَانِهِ قَبْلَ أَنْ يَدْعُو لِنَفْسِهِ أُسْتُجِيبَ لَهُ فِيهِمْ وَ فِي نَفْسِهِ»^۳ هرگاه فردی خواست دعا کند، برای عموم دعا

نیازمند خدا هستید و تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است.»

فاطمه زهرا علیها السلام، فرزندش امام حسن علیه السلام را که بیمار شده بود، خدمت رسول خدا برد و عرض کرد:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْعُ اللَّهَ لِإِبْنِكَ أَنْ يَشْفِيَهُ»^۱ ای رسول خدا! خدا را بخوان برای فرزندت، تا او را شفا دهد.»

همین طور حضرت در دعا‌های دیگرش نیز، گاه خواسته‌های دنیوی دارد، از جمله در دعایی از آن بانو می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ قَنَعْ بِمَا رَزَقْتَنِي وَ اسْتُرْنِي وَ عَافِنِي أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي...» «خدایا به آنچه رزقم قرار داده‌ای، قانع کن، و مرا پیوشان و تا زنده‌ام عافیتم ده.»^۲

۴. دعا در حق دیگران

در نوع چهارم از دعا، انسان از حیطة خود و خواسته‌های خویش پا را فراتر نهاده و به دنبال کمالات معنوی است و نیازمندیهای مادی و رفع گرفتاری کل جامعه مسلمین را مد نظر

۱. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۱۰۴ و مستدرک

الوسائل، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲. همان، ج ۹۲، ص ۴۰۶، حدیث ۳۶.

۳. همان، ج ۹۳، ص ۳۱۳، ح ۱۷ و منتخب میزان

الحکمه، محمدی ری شهری، دار الحدیث، چاپ

دوم، ص ۱۸۴، حدیث ۲۱۴۳.

نمایید؛ زیرا عامل استجاب دعا می‌شود و کسی که چهل نفر از برادران خود را در دعا مقدم بدارد قبل از خودش، دعای او در حق آنان و خودش پذیرفته می‌شود.»

در شرح لمعه از مرحوم کلینی، از علی بن ابراهیم و او از پدرش نقل کرده که: عبدالله بن جندب را در عرفات دیدم در حالی که دستهایش به سوی آسمان بلند بود و به قدری اشک ریخته بود که زمین زیر پایش گل شده بود. وقتی مردم پراکنده شدند، گفتم: ای ابا محمدا! هیچ موقفی را بهتر از موقف تو ندیدم. گفت: به خدا قسم! دعا نکردم جز برای برادران دینی ام؛ چرا که از موسی بن جعفر^۱ شنیدم که فرمود:

«مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ يَطْهَرُ الْغَيْبُ نُودِي مِنَ الْعَرْشِ وَلَكَّ مِائَةُ أَلْفِ ضِعْفٍ مِثْلَهُ؛ کسی که برای برادر [دینی اش] در پشت سر دعا کند، از عرش الهی ندا می‌رسد که برای تو صد برابر [آنچه دعا کردی]، و من دوست ندارم که صد هزار را به

خاطر یک دعا [برای خودم] که نمی‌دانم مستجاب می‌شود یا نه! ترک کنم.

فاطمه زهرا^۲ خود بنیان‌گذار چنین مکتب و فرهنگی است؛ لذا نمی‌تواند در حق دیگران دعا نداشته باشد. امام حسن مجتبی^۳ شب جمعه‌ای مادر را دید که برای همسایگان، مؤمنان، و... دعا می‌کند و برای خود دعا نمی‌نماید. عرض کرد: مادر جان! چرا برای خود دعا نمی‌کنی؟ فرمود:

«الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ؛^۴ پسرم! اول همسایه سپس خانه [خود].»

حضرت فاطمه^۵ در آخرین لحظه‌های عمر خویش، هنگام جدایی از همسر و فرزندان خویش در حق شیعیانش دعا می‌کرد.

اسماء، همسر جعفر طیار نقل

۱. شرح لمعه، ص ۲۴۲.

۲. بحار الانوار، همان، ج ۴۲، ص ۸۲، کشف الغمّه، اربلی، ج ۲، ص ۲۵ و علل الشرایع، ج ۱ ص ۱۸۳.

د. تقسیمی دیگر

تقسیم دیگر برای دعا این است که دعا یا با زبان «قال» و حرف زدن است که غالب دعاهای مردم این گونه است. این نوع دعا اگر با شرایط باشد به استجابت می‌رسد و اگر هم به اجابت نرسد، باز هم قابل توصیه است؛ چرا که ذکر خدا و ارتباط با ذات بی‌نهایت محسوب می‌شود.

نوع دیگر دعا، دعا با زبان «حال» است، یعنی دعا در حالی که اشک جاری است و دل شکسته و قلب متوجه خدای متعال است. این نوع دعا اثرش بیشتر و برد اجابتش بالاتر است. دعا با زبان استعداد، نوع دیگری از دعا می‌باشد، به این معنی که انسان در اثر انجام کار خیر و عملهای صالح، استعداد دریافت کمال را می‌یابد و قطعاً آن کمال به او داده می‌شود. در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است:

می‌کند: در لحظه‌های پایانی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام متوجه آن بزرگ زن عالم بودم که ابتدا غسل کرد و لباسها را عوض نمود و در خانه مشغول راز و نیاز با خدا شد. فاطمه را دیدم که رو به قبله نشسته و دستها را به سوی آسمان برآورده چنین دعا می‌کند:

«اللّٰهِي وَتَسَيِّدِي اَسْئَلُكَ بِالَّذِيْنَ
اَضَلَّفْتَنَّهُمْ وَيُبَكِّاؤِ وَلَدَيَّ فِيْ مُفَارَقَتِيْ اَنْ تَغْفِرَ
لِعَصَاةِ شِيْعَتِيْ وَشِيْعَةِ ذُرِّيَّتِيْ»^۱

خدای من! و آقای من! به حق پیامبرانی که آنها را برگزیدی و به گریه‌های دو فرزندم حسن و حسین در فراق من، از تو می‌خواهم از گناهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان من درگذری.

راستی این نهایت غمخواری و مهربانی است که در اوج غصه‌ها و گرفتاریهای خویش از درد پهلو گرفته تا مظلومیت امامش، این همه به فکر شیعیان خود باشد و در حق آنان دعا و خود را فراموش نماید!

۱. ذخائر العقبی، ص ۵۳، و فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، محمددشتی، ص ۱۱۱، روایت ۷۶.

دعاهای حالی، دعاهایی با زبان استعداد نیز داشت و غرق در کمال و جمال الهی بود؛ به گونه‌ای که گاه از درخواست باز می‌ماند.

پیامبر اسلام روزی به دخترش فرمود: هم اکنون فرشته وحی در کنار من است و از طرف خدا پیام آورده است تا هر چه بخواهی تحقق پذیرد! فاطمه! چه درخواست و حاجتی داری؟ آن بانوی عارفه پاسخ داد: «سَفَلْتَنِي عَنْ مَسْئَلَتِي لَدُنَّ خِدْمَتِي لِأَحَاجَةِ لِي غَيْرَ النَّظَرِ إِلَيَّ وَجِهَةِ الْكَرِيمِ؛ لذتی که از خدمت او (حضرت حق) می‌برم مرا از خواهش باز داشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال والای خدای کریم باشم!»^۵

«وَأَتَيْكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ»^۱ «و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد...»^۲

در روایات هم به این مسئله اشاره شده است. خداوند به داود وحی کرد: «يَا دَاوُدُ، إِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي يَطِيعُنِي فِيمَا أَمَرَهُ إِلَّا أُعْطِيَتْهُ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَنِي، وَاسْتَجِيبَ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْعُونِي»^۳

ای داود! بنده‌ای از بندگان اگر دستورات مرا اطاعت کند، به او عطا می‌کنم قبل از آنکه درخواست کند و برای او اجابت می‌کنم پیش از آنکه دعا نماید.»

رسول خدا می‌فرماید: خداوند فرمود: «مَنْ سَعَلَ ذِكْرِي مِنْ مَسْأَلَتِي أُعْطِيَتْهُ فَوْقَ مَا أَعْطَى السَّائِلِينَ»^۴ هر کس به خاطر مشغول شدن به یاد من از درخواست از من باز ماند، به او بیش از درخواست کنندگان عطا می‌کنم.»

این همان دعا به زبان استعداد است. حضرت صدیقه کبری علاوه بر دعاهای مقالی و زبانی و افزون بر

۱. ابراهیم / ۳۴.

۲. ترجمه آیه‌الله مکارم شیرازی.

۳. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۶، حدیث ۱۶ و منتخب میزان الحکمه، ص ۱۸۵.

۴. هسمن، ص ۱۸۵، حدیث ۲۱۵۶ و تسنیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۰۸.

۵. ریاحین الشریعه، رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۱۰۵ و فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، ص ۶۹.

جمعه است که در سخن نقل شده از فاطمه زهرا علیها السلام بدان توصیه شده است. آن بانو از رسول گرامی اسلام نقل نمود که:

«إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ لَسَاعَةً لَا يُؤَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أَغْطَاهُ آيَاتُهُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ سَاعَةٍ هِيَ؟ قَالَ إِذَا تَوَلَّى يَضْفُ عَيْنِ الشَّمْسِ لِلْقُرُوبِ»^۱ به راستی در روز جمعه ساعتی است که مرد مسلمان در آن ساعت چیزی را از خدا می خواهد و خداوند عطا می کند [و دعایش مستجاب می شود]. پرسیدم: ای رسول خدا! آن کدام ساعت است؟ فرمود: آنگاه که نصف قرص خورشید در افق پنهان می شود.

از آن پس، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در این ساعت از غروب جمعه در دعا و خیرخواهی مسلمانان همت می نمود و فردی را می گماشت تا غروب خورشید را به او اطلاع دهد.

و. دعای مستجاب

فاطمه زهرا علیها السلام برای امت اسلامی دعا می کرد؛ اما روزگاری رسید که برای خویش نیز دعا نمود و چه زود آن

۱. معانی الاخبار صدوق، ص ۳۹۹، دلایل الامامة، ص ۴، فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، ص ۱۱۵.

پروردگارا! از زندگی خسته و روی گردان شده ام و از بندگان دنیا، بلاها و مصیبت های ناگوار دیدم! خدایا! مرا به پدرم ملحق گردان و مرگم را به سرعت برسان.

این همان دعا با زبان استعداد است که هر کس به آن مرحله رسید، لب باز نکرده خدا به او عطا می کند. نکته در خور دقت این است که دعای مقالی و حالی گام به گام بر استعداد درونی انسان می افزاید و او را به درجه بالاتر سوق می دهد.

ه. زمان استجاب دعا

برای استجاب دعا به مکانها و زمانهای خاصی توصیه شده است. در بین زمانها، سفارش به ماه رمضان، شبهای قدر، شب جمعه، لحظه نزول باران، لحظه روبرو شدن لشکریان حق با لشکریان باطل و... دیده می شود. یکی از زمانها عصر

دعا مستجاب شد! آری غمهای
بی شماری چون: آتش کشیده شدن در
خانه، شکستن پهلو، ورم کردن بازو،
و... آنچنان طاقت فرسا بود که فاطمه را
از پا در آورد، تا آنجا که در حق خود
چنین دعا کرد:

اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ وِفَاتِيْ سَرِيْعًا

قَدْ تَقَضَّتْ الْحَيٰوةَ يَا مَوْلَانِيْ،^۱
خدایا! وفاتم را با سرعت نزدیک
گردان؛ چرا که از زندگی [خسته و] نا امید
شده‌ام، ای آقای من.

پیامبر اکرم ﷺ نیز از دعاهای
جانسوز زهرا علیها السلام خبر داد و به اصحابش
فرمود: دخترم در امواج بلاها و مصیبتها
آنچنان غمناک و نگران می شود که دست به
دعا برداشته، از خدا آرزوی مرگ و شهادت
می کند و می گوید: «يا رَبِّ اَنْتَیْ قَدْ سَمِئْتُ
الْحَيٰةَ وَتَبَرَّدْتُ بِاَهْلِ الدُّنْيَا فَالْحَقْنِيْ بِاَيِّ اِلٰهِي
عَجِّلْ وِفَاتِيْ سَرِيْعًا»^۲ پروردگارا! از زندگی
خسته و روی گردان شده‌ام و از بندگان دنیا،
بلاها و مصیبتهای ناگوار دیدم! خدایا! مرا
به پدرم ملحق گردان و مرگم را به سرعت
برسان.

به فصل جوانی زغم پیر گشتم

ز عمر گرانمایه ام سیر گشتم

خدایا نخواهم دگر زندگانی
رسان مرگ زهرا به فصل جوانی
چسه رنجی کشیدم من از جور امت
که دیگر نمانده بر ایسم سلامت
زد آتش عدو بسر در خانه من
ز کین گشته شد طفل دردانه من

مرا سینه پر خون شد از ضرب مسمار
شکست استخوانم از آن درب و دیوار
ز مسمار و از ضربت تاز یانه

کنم گریه شبها ولی مخفیانه^۳
و ... چیزی نگذشت که دعای فاطمه
به استجابت رسید و بهار جوانی زهرا علیها السلام
و زندگانی علی علیه السلام و فرزندانشان تبدیل به
خزان شد و ناباورانه جنازه او را در شب به
خاک سپردند!

شبی در عمق تاریکی نشسته
زمین و آسمان با هم گریسته
روان در کوچه ها تابوت غربت
در آن تابوت یاقوت شکسته

۱. بیت الاحزان، شیخ عباس قمی، ترجمه
فارسی، ص ۲۶۰.
۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷؛ احقاق الحق،
ج ۱۹، ص ۱۶۰ و فرهنگ سخنان فاطمه،
ص ۱۴۸.
۳. ارمسغان کربلا، ندادعلی کربلایی، ج ۱،
ص ۱۵۷.